



کفاشان دست‌دوز در پیچ اقتصادی تازه

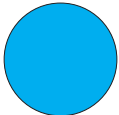
با اجرای برنامه هفتم توسعه، کارگاه‌های کوچک با تغییر محاسبه سهم بیمه مواجه شده‌اند؛ تغییری که به گفته رئیس اتحادیه کفاشان نیازمند بازنگری مدل مالی و افزایش بهره‌وری است

اصلاح قانون کار با حفظ حقوق کارگر

اصلاح قانون کار در ایران به گفته نمایندگان کارگری و کارفرمایی نزدیک به دو دهه است که در دستور کار قرار دارد، اما هنوز به سرانجام نرسیده است. فعالان این حوزه می‌گویند هرگونه تغییر در مواد و تبصره‌های قانون کار باید بر پایه اصل سه‌جانبه‌گرایی و با مشارکت واقعی شرکای اجتماعی انجام شود تا هم حقوق کارگران و هم منافع کارفرمایان حفظ شود. آن‌ها تأکید دارند که اصلاحات نباید حداقل‌های حمایتی جامعه کارگری را کاهش دهد و باید امنیت شغلی مشاغل مستمر و امنیت اجتماعی خانواده‌ها در حوزه تأمین اجتماعی را پوشش دهد. از زمان تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹، این قانون بارها با انتقادات و پیشنهادات اصلاحی روبه‌رو شده و عمده این پیشنهادات از سوی کارفرمایان و کارگران برای تغییر جنبه‌های حمایتی یا رفع ابهامات موجود مطرح شده است. تحولات اجتماعی و اقتصادی سال‌های اخیر نیز بر ضرورت بازنگری این قانون افزوده و تلاش‌های متعددی از جمله اقدام مجلس پنجم برای خارج کردن کارگاه‌های کوچک از شمول قانون و پیشنهادی دولت‌های مختلف برای تغییر برخی مواد، به این مسیر افزوده‌اند.

در سال ۱۴۰۲ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌نویس لایحه‌ای برای اصلاح موادی از قانون کار تهیه و به دولت ارسال کرد. با این حال، نمایندگان کارگری معتقد بودند این اصلاحات به ضرر کارگران است و به کاهش حقوق و حمایت‌های قانونی منجر می‌شود. کارشناسان و فعالان کارگری می‌گویند قانون موجود با گذشت بیش از سه دهه نیازمند بازنگری است، اما این بازنگری باید با در نظر گرفتن منافع متوازن کارگر و کارفرما و رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی باشد. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، می‌گوید: «در این بیست سال بیش از ۲۵۰ ساعت جلسه مشترک با کارگران داشتیم و جمع‌بندی‌هایی به دست آمد، اما نسخه‌ای که وزارت کار به دولت و سپس مجلس فرستاد، با نظر هر دو طرف تفاوت داشت و موجب اعتراض شد.» او افزود که در کمیسیون اجتماعی مجلس بحث‌های زیادی انجام شد و در نهایت کارگران و کارفرمایان مشترکاً نامه‌ای برای بازگرداندن لایحه نوشتند، چون نگران بودند که تصویب‌نهایی در صحن، تغییرات غیرقابل پیش‌بینی ایجاد کند، به گفته آهنی‌ها، اصلاح قانون کار از تکالیف برنامه سوم توسعه بوده و از آن زمان تاکنون ۲۰ سال گذشته است، اما روند بازنگری به کندی پیش رفته است، او می‌گوید اگر این اصلاحات بر اساس کار کارشناسی دقیق و با مشارکت همه ذی‌نفعان انجام شود، نباید ماهیت آن به شکل اساسی تغییر کند و در این صورت به نفع کارگر، کارفرما و حتی دولت خواهد بود. از جمله مواد مورد بحث برای اصلاح، ماده ۲۱ قانون کار است که به شرایط خاتمه قرارداد می‌پردازد و مواردی همچون فوت، بازنشستگی، از کارافتادگی و پایان قرارداد موقت را شامل می‌شود. برخی پیشنهادها برای این ماده، بازنگری در نقش کمیته‌های انضباطی و نحوه خاتمه قرارداد در دوران مرخصی زایمان است.

ماده ۲۷ قانون کار نیز که به اخراج کارگران مربوط می‌شود، از جمله محورهای اصلاح است. بر اساس تبصره الحاقی، کارفرما در صورت قصور کارگر یا نقض آیین‌نامه‌های انضباطی، با نظر شورای اسلامی کار یا هیأت تشخیص می‌تواند قرارداد را فسخ کند و کارگر در این حالت یک ماه آخرین حقوق به‌ازای هر سال سابقه دریافت می‌کند.



مهین داوری
روزنامه نگار

تغییر در شیوه حمایت‌های بیمه‌ای دولت از کارگاه‌های کوچک، به یکی از مهم‌ترین موضوعات روز در میان تولیدکنندگان و اصناف بدل شده است. در گذشته، کارفرمایان تنها ۱۰ درصد حق بیمه پنج نفر اول کارکنان خود را می‌پرداختند و ۲۰ درصد باقی‌مانده را دولت تقبل می‌کرد؛ اقدامی که سال‌ها به عنوان پشتوانه‌ای برای تداوم فعالیت صنایع خرد شناخته می‌شد. با اجرای اصلاحیه برنامه هفتم توسعه، این حمایت‌ها به شیوه‌ای هدفمندتر و مبتنی بر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار محاسبه می‌شود. به این ترتیب، سهم دولت اکنون معادل ۱۰ درصد حداقل حقوق -حدود دو میلیون تومان- تعیین شده است. سیاست‌گذاران می‌گویند این تغییر برای ایجاد عدالت میان کارگاه‌ها و هدایت منابع حمایتی به بخش‌های نیازمندتر ضروری بوده است. وحید روان‌پرور، رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران، در گفت‌وگو با آتی‌نو توضیح می‌دهد که این تغییر به معنای بازنگری جدی در مدل مالی بسیاری از کارگاه‌هاست. او می‌گوید: «یک کارگاه پنج‌نفره که در اردیبهشت ۱۴۰۳ حدود شش تا هفت میلیون تومان حق بیمه می‌پرداخت، امسال ناچار است ۱۸ تا ۱۹ میلیون تومان پرداخت کند. این جهش عددی نشان می‌دهد کارفرمایان باید خود را با شرایط جدید وفق دهند.»

روان‌پرور تأکید می‌کند که همسویی با برنامه توسعه کشور مستلزم آن است که اصناف نیز مسیرهای تازه‌ای برای بهره‌وری، صرفه‌جویی و افزایش فروش بیابند. او معتقد است این سیاست، اگرچه در کوتاه‌مدت فشارهایی ایجاد می‌کند، اما می‌تواند در بلندمدت به شفافیت مالی و ساماندهی بهتر بیمه در صنایع خرد منجر شود.

کاهش انگیزه نسل آینده

رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران با هشدار نسبت به پیامدهای کاهش شدید قدرت خرید و ناکافی بودن دستمزدها در این صنف، اعلام کرد که این روند نه تنها به خروج نیروهای ماهر از بازار کار منجر شده، بلکه تهدیدی جدی برای انتقال تجربه و تداوم این حرفه به نسل‌های آینده است. رضا روان‌پرور در گفت‌وگویی با اشاره به شرایط کلی اقتصاد کشور و اثر آن بر معیشت همه اقشار گفت: «همان طوری که مردم در حوزه‌های مختلف با فشار تورم و کاهش قدرت خرید روبه‌رو هستند، صنف کفاشان دست‌دوز نیز از این قاعده مستثنی نیست. او تأکید کرد که کاهش محسوس دستمزدها باعث افت جدی انگیزه در میان کارگران و استادکاران شده است.»

به گفته او، بزرگ‌ترین آسیبی که این شرایط به همراه دارد، از دست رفتن تمایل استادکاران به آموزش نیروهای تازه‌وارد است. روان‌پرور توضیح داد: «وقتی خود استادکار با درآمد محدود و هزینه‌های بالای زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کند، طبیعی است که انگیزه‌ای برای صرف وقت و انرژی در آموزش نسل بعد پیدا نکند. این اتفاق زنگ خطر مهمی برای آینده صنعت کفش دست‌دوز به صدا درآورده است.» او با اشاره به نقش آموزش اتحادیه در جذب نیروهای تازه‌کار افزود: «ما در دوره‌های آموزشی همواره با علاقه‌مندان جوان روبه‌رو هستیم، اما سوال اساسی این است که آیا این افراد پس از ورود به بازار، حاضرند در این شغل بمانند؟ یا با مشاهده درآمد محدود و سختی‌های کار، راه دیگری را انتخاب می‌کنند؟»

روان‌پرور همچنین به چالشی عملی در تعیین حقوق و دستمزد اشاره کرد و گفت: «در بسیاری از موارد، میزان

حقوق رسمی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای رد شدن در لیست بیمه و تبدیل به حقوق ثابت اعلام کرده، پاسخگوی نیازهای واقعی زندگی کارگر نیست. همین مسئله باعث شده کارفرمایان برای حفظ نیروهای ماهر خود، ناچار شوند با کارگر توافقی‌های جداگانه‌ای داشته باشند و مبالغی بیش از رقم مصوب پرداخت کنند.»

او ادامه داد: «این توافق‌ها گرچه به‌طور موقت از خروج نیرو جلوگیری می‌کند، اما با توجه به نوسان قیمت مواد اولیه و افزایش مداوم هزینه‌ها، نمی‌تواند یک راه‌حل پایدار باشد. ما انتظار داریم که سیاست‌های حمایتی بسته‌های تشویقی ویژه برای صنوف سنتی و صنایع دستی در دستور کار قرار گیرد تا هم کارگر و هم کارفرما بتوانند با آرامش بیشتری به کار ادامه دهند.» روان‌پرور معتقد است حفظ انگیزه استادکاران و کارگران، شرط اصلی ماندگاری این هنر-صنعت است و اگر به آن توجه نشود، با فاصله‌ای نه‌چندان دور شاهد کاهش شدید تعداد فعالان و از بین رفتن بخشی از میراث تولید ملی خواهیم بود.

رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران هشدار داد که بدون توافق‌های فراتر از نرخ مصوب وزارت کار، بسیاری از کارگران توان ادامه فعالیت نخواهند داشت و ناچار به ترک شغل می‌شوند. به گفته او، همه کارفرمایان قادر به ایجاد چنین توافقی‌هایی نیستند و برخی ناچارند با همان تعرفه‌های رسمی فعالیت کنند.

رضا روان‌پرور با اشاره به محدودیت‌های مالی کارفرمایان گفت: «برای افزایش دستمزد، کارفرما باید امکان تأمین هزینه اضافی را داشته باشد و این مبلغ را در قیمت تمام‌شده کالا لحاظ کند؛ امری که همیشه امکان‌پذیر نیست، زیرا بازار توان پذیرش قیمت‌های بالاتر را ندارد. او تأکید کرد که این شرایط، فشار مضاعفی بر بنگاه‌های کوچک وارد کرده و خطر کاهش اشتغال در صنعت کفش دست‌دوز را افزایش می‌دهد. روان‌پرور خواستار توجه جدی به سیاست‌های حمایتی شد تا هم کارگران و هم کارفرمایان از این بن‌بست خارج شوند.»

تغییر اولویت‌های مصرفی

رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران با اشاره به تغییرات بنیادین در الگوی مصرف خانوارهای ایرانی طی دو دهه



اخیر، از افت چشمگیر تقاضا برای پوشاک و به‌ویژه کفش خبر داد و این روند را تهدیدی جدی برای حیات اقتصادی بسیاری از واحدهای تولیدی دانست.

رضا روان‌پرور گفت: «در گذشته، اولویت‌های هزینه‌ای خانواده‌ها به ترتیب شامل مسکن و مخارج وابسته، خوراک و سپس پوشاک می‌شد؛ اما امروز پوشاک با فاصله‌ای محسوس از دو قلم اصلی، به رتبه سوم سقوط کرده و سهم بسیار کمتری از سبد هزینه خانوار را به خود اختصاص داده است.» به گفته او، شرایط اقتصادی و کاهش قدرت خرید، باعث شده مصرف‌کنندگان تمایل کمتری به خرید کفش نو داشته باشند. «سرانه مصرف کفش در ایران که در دهه گذشته حدود ۱۰ جفت برای هر نفر بود، اکنون به کمتر از یک جفت رسیده است. بسیاری از مردم کفش‌های موجود خود را تا حد امکان نگه می‌دارند و خرید را به سال‌های بعد موکول می‌کنند.» روان‌پرور تأکید کرد که حتی عرضه محصولات با حداقل سود نیز قادر به جبران کاهش تقاضا نیست. این تغییر الگو، به‌ویژه برای تولیدکنندگان کالاهای غیرضروری، فشار مضاعفی ایجاد کرده و ادامه آن می‌تواند منجر به تعطیلی گسترده واحدهای کوچک شود.

او با اشاره به نقش محدود اتحادیه‌ها در سیاست‌گذاری کلان افزود: «اتحادیه‌ها در فرآیند تدوین قوانین اقتصادی یا بیمه‌ای نقشی ندارند و نتایجی نتوانند نسبت به پیامدهای آن واکنش نشان دهند.» او توضیح داد که وظیفه اصلی اتحادیه‌ها در چنین شرایطی، مدیریت نارضایتی و ایجاد آرامش میان اعضای آسیب‌دیده است. با این حال، وقتی کارفرمایان از بیان ناشی از قیمت‌گذاری ناکارآمد یا حاشیه سود بسیار پایین روبه‌رو می‌شوند، اتحادیه اختیار قانونی برای تغییر نرخ‌ها ندارد.

روان‌پرور تصریح کرد: «در نهایت این مسئولیت خود تولیدکنندگان است که با محاسبه دقیق قیمت تمام‌شده، از ضرر جلوگیری کنند. اما وقتی بازار کفش افزایش قیمت را ندارد، حتی این راهکار هم به‌سختی قابل اجراست.» او خواستار آن شد که سیاست‌های حمایتی هدفمند، از جمله تسهیلات ارزان قیمت و برنامه‌های تشویقی برای صنایع پوشاک و کفش، در دستور کار نهادهای مرتبط قرار گیرد تا این بخش بتواند در برابر فشارهای اقتصادی تابآوری بیشتری داشته باشد.

بقا بدون سود ممکن نیست

بحران کاهش حاشیه سود در صنایع تولیدی، به‌ویژه کفش، به تهدیدی برای بقا تبدیل شده است. روان‌پرور هشدار داد که در چنین شرایطی، ادامه کار برای بسیاری از واحدها صرفه اقتصادی ندارد و زیان آن‌ها هر روز بیشتر می‌شود. او با اشاره به نمونه یک کارگاه کوچک و مقاوم گفت: حتی این واحدها که تاکنون با دشواری دوام آورده‌اند، زیر فشار رکود، نوسانات اقتصادی و افزایش هزینه‌ها، به‌طره تعطیلی و ورشکستگی کشیده می‌شوند. به گفته او، این روند نه تنها حیات صنف کفش، بلکه بنیان‌های تولید ملی را نیز با خطر جدی روبه‌رو می‌کند.

مالیات بر ارزش افزوده؛ مانعی دیگر

روان‌پرور، رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران، با هشدار نسبت به سردرگمی گسترده اعضا در مواجهه با مالیات بر ارزش افزوده گفت: «بسیاری از تولیدکنندگان و فروشندگان صنف کفش، با برگه‌های قطعی مالیاتی روبه‌رو شده‌اند، در حالی که هرگز در سامانه مالیات بر ارزش افزوده ثبت‌نام نکرده‌اند. این در حالی است که طبق قانون، خرده‌فروشان و تولیدکنندگانی که از برق یا کنتور کمتر از ۵۰ امپر استفاده می‌کنند، از پرداخت این مالیات معاف هستند.»

او با اشاره به تناقض در عملکرد دستگاه‌های مالیاتی توضیح داد: «وقتی اعضای ما با برگه‌های قطعی به ادارات مالیاتی مراجعه می‌کنند، گاهی حتی صدور این برگه‌ها تکذیب می‌شود. پاسخ آن‌ها این است که باید صبر کنند تا برگه به اجرایه تبدیل شود و سپس در کمیسیون ماده ۲۱۶ بررسی شود.» به گفته او، این فرآیند نه تنها زمان بر است، بلکه با لاکتیکفی طولانی ایجاد می‌کند.

روان‌پرور بحران ثانویه ناشی از این مشکل را چنین شرح داد: «تمامی فرآیندهای صدور و تمدید پروانه کسب، منوط به عدم بدهی مالیاتی است. در حالی که اکثر اعضای ما مالیات شغلی خود را به‌موقع پرداخت کرده‌اند، ناگهان با بدهی‌های ادعایی بابت ارزش افزوده مواجه می‌شوند. نتیجه این امر توقف تمدید پروانه و در عمل، قفل شدن چرخ فعالیت اقتصادی واحدهای کوچک است.»

اونسبت به کارایی کمیسیون ماده ۲۱۶ نیز ابراز تردید کرد و گفت: «تأمین فرآیندهای صدور و تمدید پروانه کسب، سریع را غیرممکن کرده است. این تأخیرها برای کسب‌وکارهای کوچک، به معنی از دست دادن مشتریان و بازار است.»

رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران با اشاره به راهکارهای پیشنهادی افزود: «اتحادیه خواستار برگزاری نشست اضطراری با سازمان امور مالیاتی برای لغو یا تعلیق برگه‌های صادرشده برای معاف‌شدگان قانونی، اتصال سامانه‌های مالیاتی و صنفی برای جلوگیری از بروز خطا، و تشکیل کارگروه ویژه برای رسیدگی فوری به پرونده‌های پروانه کسب است.» روان‌پرور در جمع‌بندی سخنان خود، به محدودیت ساختاری اتحادیه‌ها اشاره کرد و گفت: «اتحادیه‌ها عملاً اختیار اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی را ندارند و بیشتر به نهادهایی برای مدیریت بحران و آرام‌سازی فضای صنفی تبدیل شده‌اند. این ساختار باید بازنگری شود تا بتوان در شرایط بحران، راه‌حل‌های عملی و فوری ارائه داد.» او در پایان بر ضرورت اصلاح سیاست‌های اقتصادی، حمایت از صنوف کوچک، و افزایش حاشیه سود تولیدکنندگان تأکید کرد تا از فروپاشی بخش‌هایی که به حفظ اشتغال و مهارت‌های بومی وابسته‌اند، جلوگیری شود.

گلايه اتحاديه‌ها از غيبت در تصميم‌سازي

نمایندگان صنف می‌گویند از جلسات کلیدی برنامه هفتم بی اطلاع بوده‌اند؛ موضوعی که مدیرکل شرق تهران آن را عامل تصویب مقررات بدون مشارکت ذی‌نفعان اصلی می‌داند

می‌کنند. «به گفته او، تغییرات اخیر در ستون‌های حقوق و دستمزد بر اساس تبصره‌های بودجه‌ای مصوب بوده و هر سال برای تصویب نهایی به شورای عالی ارجاع می‌شود.

قانون قابل تغییر، اما با مسیر مشخص

هر دو مدیرکل تأمین اجتماعی در این نشست تأکید کردند که تغییر یا لغو مواد برنامه هفتم، تنها از مسیر رسمی قانون‌گذاری امکان‌پذیر است. آن‌ها یادآور شدند که نقش اتحادیه‌ها در بیان مطالبات و حضور در مراحل مقدماتی تدوین قوانین، برای جلوگیری از چالش‌های بعدی ضروری است.

اتحادیه‌ها در جریان نبودند

محسن ریاضی، مدیرکل غرب تهران، در واکنش به سخنان رئیس اتحادیه کفاشان، گفت: سیاست‌های جدید بیمه‌ای ناگهانی نبوده و پیشینه آن به بحث‌های طولانی در دولت و مجلس برمی‌گردد. او تأکید کرد که برنامه هفتم توسعه حداقل یک سال قبل از اجرا به‌طور گسترده بررسی شده و سازمان تأمین اجتماعی نیز در این فرآیند انتظارات خود را مطرح کرده است.

ریاضی با اشاره به اصل سه‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های کلان سازمان گفت: «در شورای عالی و هیأت مدیره، کارفرمایان نماینده دارند و در تصویب نهایی آیت‌های جدید حقوق و دستمزد مشارکت

ملکی در باره ماده‌ای از برنامه هفتم که معافیت حق بیمه تا سقف حداقل حقوق سالانه را تعیین کرده، توضیح داد: «قانون فعلی تغییر نکرده، اما بدهی‌هایی ایجاد کرده که دولت می‌خواهد بار آن را از دوش تأمین اجتماعی کم کند.» او مثال زد که اگر کارفرما به دو کارگر حداقل حقوق ماهانه مجموعاً ۱۴ تا ۱۵ میلیون تومان پرداخت کند، دولت سهم ۲۰ درصدی حق بیمه آن را می‌پردازد، اما برای حقوق بالاتر، کارفرما باید مابه‌التفاوت را خود بپردازد. ملکی تأکید کرد، لغو این قانون از اختیار ادارات کل خارج است و تنها با اصلاح قانونی امکان‌پذیر خواهد بود.

در نشست مشترک مدیران کل تأمین اجتماعی شرق و غرب تهران با رؤسای اتحادیه‌های استان، بختیار ملکی، مدیرکل شرق تهران، از عدم مشارکت فعال اتحادیه‌ها در تدوین قانون برنامه هفتم انتقاد کرد و گفت: «همه ما وارث قانونی هستیم که مجلس تصویب و شورای نگهبان تأیید کرده است.» او با اشاره به مطالبه صنف کفاشان دست‌دوز افزود، دولت اعلام کرده که اتاق اصناف و بازارگانی در جلسات هیأت دولت و بودجه حضور داشته‌اند، اما رؤسای اتحادیه‌ها می‌گویند از این جلسات بی‌خبر بوده‌اند. به گفته ملکی، این بی‌اطلاعی باعث شده ذی‌نفعان اصلی در فرآیند قانون‌گذاری نقشی نداشته باشند.